

مجله « کابل » بغرض وحدت سبک نویسنده‌گی و اسلوب تازه ادبیات امروزه نمونه‌های کوچکی باولاد نوقلم و محصلین مکاتب وطن خود هدیه خواهد نمود .
مجله « کابل » آمال و نظریات انجمن ادبی را در اطراف زبان و لغات و سبک اشعار و تجزیهات فعلی بمقصد اصلاح و ترقی به پیشگاه نظر فضلا و ادبای محترم وطن عرض و مساعدت فکری و قلبی آنها را باین موضوع جلب و استدعا خواهد نمود .

در پایان این آرزوها کار گنجان مجله توفیق یگانه خداوندی را شامل حال خود خواسته مستد عیند که این مجله کوچک بتواند موافق باآمال و نیاتیکه مادر نظر داریم موفق شده و طرف میل و محبت هموطنان عزیز خود واقع شود .

اهمیت ادبیات و موقع آن در مملکت

از آنجائیکه بشر طبعاً اجتماعی بوده ، زیستن بصورت اجتماع مجبور است در عین حال حیات اجتماعی او موقوف و مربوط به تساند و تعاون است ، که میشود از آن صرف نظر نمود ؛ چه بشر بیچاره در مبارزه حیات برای تکمیل نواقص و رفع احتیاجات مادی و معنوی خویش بمشکلات و موانعی ر میخورد که بدون استمداد از سر پنجه توانا و با اقتدار تساند و تعاون ممکن نیست به پیش برد کوچکترین احتیاجات ضروریه خود نائل گردد .

زیرا : در صورت عدم رعایت ازان بشر مدتی امروز مجبور میشود ، که عور و سلبتوی بدون ملجأ و ماوای مانند هپاتم و حیوانات وحشی در جنگلهای پراخت ، بیابانهای وحشت افزا ، در دامان جبال مهیب و تیزی یانه به پیودن مراحل زند گانی بدرجات پستر از دوره های تیره و تاریک دوره سنگ استمرار حیات بنماید .

و در سایه راحت بخش تساند و تعاون است که از احتیاجات ضروریه بشری

گرفته تاخواهشات غیر محدود مدنیة آن که تعدادش از صد ها چیز تجاوز میکند
قسماً در داخل محیط زندگی و بعضاً در محیط خارج از زندگی او تأمین
و تهیه میشود؛ هماغسسه که بشر در حیات اجتماعی از تعاون و تساند بهره و گزیری
ندارد، همچنان برای ایفای وظیفه تساند و تعاون مجبور است که دست القاب
بدان لسان (ادبیات) زده تا بتواند بوسیله آن تساند و که او را از قوه بفعل
آورد.

زیرا: برای جلب امداد و معاونت هموعان خود، بشر نخست ضرورت
و احتیاج بافاده مرام خویش داشته و دارد، افاده مرام صورت پذیر نیست مگر
بوسیله لسان (ادبیات) . بالفاظ و کلمات و بیانی که با
لسان است، که: بشر را از افکار و خیالات همدیگر مستحضرا مینماید،
بتوسط اوست که ما افکار، عواطف و احساسات خود را افاده نموده، از
احساسات و افکار بی نوع خود مستفید میشویم؛ و همین لسان است که قوام ملل،
مدنیت، عمران، حتی حیات بشر بر آن متوقف و مربوط است. به تعبیر
و از اینجا است که بشر اولین ما محتاج خود را برسبیل توارث ادراک کرده
قبل از تکامل قوای ذهنی (که بتک عمر طبیعی (۷۵) سال باشد کامل
میکردد) در انکشاف لسان میکوشد، و همچنین نخستین آله که او پس از
عرض وجود در ساحه حیات استعمال می نماید، نیز لسان است. که یگانه
دلیلی از مهمترین دلایل اهمیت آن در نزد بشر نسبت بسایر احتیاجات او در
نظر میخورد.

علاوه بر اینکه بشر در حیات امروزی خویش احتیاج خود را به (ادبیات)
نشان میدهد، حیات ملل گذشته را نیز بواسطه ادبیات قیمت مینماید.
زیرا: ادبیات است که ما را از چگونگی اصول حیات و مدنیت ملل
گذشته مطلع ساخته عیناً همان وقایع گذشته تاریخی را در برابر چشم ما مجسم
نشان میدهد و ما از کیفیت ارتقا و یا انحطاط و زوال آنها واقف گردیده

خوبیها و بدیهای آنها را تمیز و تشخیص می دهیم ، وسایل رفاه و سعادت یا فلاکت و بدبختی آنها را دانسته با اولین متشبت و از ثانوی عبرت و بند میگیریم . تاریخ و اهمیت تاریخ که امروز در نزد هر صاحب فکری آشکار و مبرهن بودم از آن بشر مستفید میشود ، در حقیقت زاده ادبیات و از سرچشمه ادبیات سیراب گردیده نشو و نما یافته و می یابد .

و بوسیله ادبیات است که تواریخ ملل و مدنیت اقوام گذشته و حیه از نسل به نسل ، اریحیط بمحیط و از دورم بدوره آهسته ، آهسته انتقال کرده و میبکند . چنانچه انتقال مدنیت یونان بروم ، و از روم با آسیای کوچک و سوریه و از آنجا و فارس بعرب و اندلس بواسطه تماس و انتقال لسان است ، که بهر یک از آنها حلول کرده ، بنوبه خود در صنایع و مدنیت از بزرگترین دول دوره خود محسوب میشدند .

خصوصاً عوامل مهمه تمدن مشتمع و ترقی عرفانی عرب (که از روشنائی آن دیدها میدرخشید) نیز همین لسان فصیح و بلیغ عرب است (که قرآن شریف در آن نازل شد) یا اختلاط و امتزاج آنها (عرب) با ملل سوریه و فارس ، که از اولین دین مقدس اسلام و احکام آن و از دومین ادبیات و فلسفه صنایع آنها را اقتباس کرده و دین پاک اسلام را تا امروز در آن سرزمین ها بیادگار گذاشتند .

چنانچه ، دخول و ظهور فلسفه و حکمت یونانی ها و بعضی از افسانه های فارس با تمام موجودیت خود بوقت عباسیان در عرب و رواج قبوذ آن تا حال در بین علمای اسلام از بزرگترین دلایل مقننه تاثیر ادبیات بشمار میرود .

سبک ، اسلوب ، و اشکال مختلف ادبیات مخصوصه هر قوم و عصر است که امتیازات هر دور حیات اجتماعی و صنفی بشر از آن معلوم و ظاهر میشود ، مثلاً : از سببهای قصاید شور انگیز ، امرأ القیس (شاعر شهیر جاهلیت) حماسه و روحیات سلجشورانه ، و حیات عشیروی اقوام بدوی عرب پدید و مقابل آن از اشعار

وقصاید یا طراوت متنی است که مناظر زیبای تمدن عباسیان در پیش چشم جولان میکند، همچنین از خلال کلمات ایلادای هومیروس (شاعر مشهور اساطیری یونان) است که میتولوژی های (اساطیر) خیال آلود یونان با روح برزاکت خود تبسم مینماید و از آثار ولتر (شاعر و فیلسوف فرانسه) است که روح فسرده و مخنوق اهالی عصر استبداد فرانسه میراود، و کذا از اشعار و آثار بوجود آمده هر زمان و هر محیط است که کیفیات اجتماعی، سیاسی، اصول معیشت و زندگی آن قوم و آن محیط بخوبی معلوم و ادراک میشود.

زیرا: در هر زمان و هر محیط، ادبیات در زیر تاثیر و نفوذ جامعه بوده حسب اقتضای محیط و وقت رونق تازه بخود گرفته است.

اقوام و ملل جیه که بر تقوس و اذهان ملل و اقوام دیگر تسلط کردن میخواهند، بتوسط ادبیات است، که میتوانند، اخلاق، مدنیت حتی دیانت خود را در افکار و روحانیت آنها تزریق میکنند.

اگر حقیقت این قضیه را معلوم کردن بخواهیم، مجبور میشوم، که اوراق تاریخ استعمار آنها را زیر مطالعه قرار بدهیم، تا کیفیت نفوذ و استیلای آنها ظاهر گردد: مثلاً اگر نفوذ، رسوخ و تمکن دین مقدس اسلام را در شرق و ایران زیر مطالعه بگیریم، می بینیم، که عامل مهم آن بهترین نمونه ادبیات عرب قرآن شریف است که تمامی فصیحای عرب بیلاغتس اعتراف کردند و هم چنین در غرب شیوع دین مسیح (ع) است، که آن نیز بواسطه ادبیات لاتین ترویج و تعمیم یافت (اعنی ترجمه انجیل بلسان لاتین)

زیرا که این مردوزبان در عصر خود دارای جنبه های مهم علمی و فنی بوده از مهمترین لسانهای سرمایه دار زمان خود محسوب می شد. و هکذا از حیث سرمایه و ذخائر علمی لسان عرب بود که مسلمانان بنا بر عطش شدید و محبت سوز اینکه درباره علم و فن داشتند، به تحصیل این لسان کوشیدند، تا آنکه زنده رفته بواسطه

بسط اطلاع و معرفت در ادبیات آن لسان ، یکدسته تغییرات و تبدلات در روحیات و ساختمان فکری آنها بوجود آمده بطوری محبت آن لسان با عظمت و علویت عرب بگنجینه قلب آنها جاگزین شده ، که تمام محررین آن دوره و زمان در مسائل قالیف و تخریر ، لسان مادری خود را گذاشته آغاز به تالیفات در لسان عرب نمودند . مثلاً ابن سینای شهیر ، فارابی و غزالی و غیره و غیره عالمای فارسی نژاد که از محررین و مؤلفین بزرگ لسان عرب میباشند . و همچنین در غرب (سرایزک) نیوتان فیلدوف و وحیدم شهر انگلیس و غیره بعضی از فلاسفه آندوره که بنا بر اهمیت لسان لاتین ، تمام مؤلفات خود را بلاتین نگاشته اند .

و در نتیجه همین ذوق و شوق محررین اسلامی فارس نژاد بود ، که ادبیات لسان فارسی رو با انحطاط رفته عنقریب بود که محو بشود .

و اینکه یکی از علماء میگوید ، یگانه باعث تغییر و تبدل روحیات يك ملت ، تغییر ، و تداول لسان جدید در آن جامعه میباشد ، بنایت منطقی است ، زیرا تداول لسان جدید با تدریج آفتهرها دیانت و نظامات آن ملت را زیر و رو نموده ، با ندازه تصرفات در خصایص فکری ثانوی و شئونات روحی آن می نماید ، که از تصور انسان خارج است .

مانند نفوذ اخلاق و خصائص نژاد انگلوساکسون در آمازونی - با وجود تشکیل این جمهوریت از اقوام مختلفه انگلیس فرانکوی و قسما بومی و مهاجرین ایطالوی ، و اختلاف نژاد ، بوسیله تعلیم لسان انگلیس و طرز تعلیم انگلوساکسونیت ، که تقریب بین طرز حیات ، معیشت ، شئونات و اخلاق آنها از نژاد انگلوساکسون ممکن نیست .

و هم چنین ترویج و تعمیم مدنیت و اخلاق دول مسیحی انگلیس ، فرانسه و المان و غیره در مستعمرات شان مثل کانادا ، نیوزیلند استرلیا و غیره اقوام و ملیکه ادبیات خود را نگاه و حفاظت کرده نمیتوانستند ، بیادش آن

آهسته آهسته از طرف ملل دیگر که در ادبیات ولسان ترقی کرده بودند،
 باعیده شدند .

مانند فقیه ها : که در تجارت و تمدن از جمله ملل نمره اول دنیا محسوب
 می شدند و خدمات شایسته آنها ، بسیر تمدن اعنی تکمیل تجارت و فن کشتی رانی
 و ارتباط ممالک مختلفه دنیا بیکدیگر محتاج توضیح نیست ، از رهگذر بیکه
 فاقد قدرت ادبی بودند ، اولاً از طرف مصرها و کلدانها و بعدها از جانب
 رومیها و صربها باعیده شده ، ملیت شان پایمال گردید .

و همچنین آنورها و کلدانها و غیره اقوام تاریخی که هر يك در وقت خود
 دارای مدنیت های بزرگ و شاندار بوده مسلسلاً در ساحه حیات هر ض
 وجود نمودند لیکن بنا بر عدم ترقی و حفاظت ادبیات خود محوشده رفتند ،
 و در عوض لسان اصلی شان ، بلسان صربی امروز تکلم می کنند .

رجال بزرگ تاریخی بشر است ، از قبیل فلاسفه ، شعرا ، فضلا و حکمدران
 که بواسطه ادبیات نام نامی شان بجاودان مانده و می ماند . اینکه در اثر همین
 کیفیات مذکوره تاثیر ادبیات بحامه و جامعه در ادبیات بود که ذات خجسته
 اعلی حضرت شهر یاری محمد نادر شاه غازی بنا بر علاقه شدیدی که بنحمت وطن
 دارند برای اعلائی سعوت ، عظمت و شئونات وطن و ارتقای لسان فارسی
 کوهستانی (که امروز در وطن مقدس ما متداول است) و ابقای شان و شرف ملی
 از خرابی های روح گذاز سلطه و نفوذ افکار و اخلاق بیبوده و مضر اجانب
 (که بوسیله استعمال بی توقع کلمات شان در ادبیات وطن بروز میکند) و جلو
 گیری از سیلاب های مدهشته انقراض و انحطاط ادبی (که سرمایه برابادی و ابقای
 يك ملت است) اقدام بتاسیس انجمن ادبی از يك عده فضلاء وطن عزیز نموده
 به تشکیل آن موفق شدند که عیناً بروگرام و وظائف انجمن بوسیله مجله مخصوصه
 انجمن انتشار و توزیع خواهد یافت .